

درین پژوهش منسجم :

- دریکم ده کنونی برقوای مسلح کشورچه گذشت ???
- وظایف ، رسالتها ، مسوولیتها ومکلیفیت های قوای مسلح
- قوای مسلح ونیروهای خارجی مقیم کشور
- اختلاس های بزرگ درنیروهای مسلح
- با اردوو وزارت دفاع ملی آشنا شویم
- مروری برقوای هوای کشور
- نگاهی بروزارت، وزیرامورداخله وپولیس
- معرفی ریس وریاست عمومی امنیت ملی .

## قوای مسلح ازآبادی تا بربادی وتا احیایی بنیادی

دریکم ده کنونی برقوای مسلح کشورچه گذشت ???

« یک پژوهش منسجم برای اولین باردرمورد فرازوفرود نیروهای مسح کشوردریکم دهه فعلی»

استاد ( صباح )

انکه به سرنوشت میهن ومردم سرزمین خویش بی انگیزه است ارزش یاد کردن ندارد.  
وطن مادردوم است، وطن خویش را فزونتر ازهرچیز گرامی بداریم. میهن دوستی باید مقدم به  
هرکاروخود مختاری واستقلال پیشروبرهراندیشه باشد. کافی نیست که انسان برای وطنش خدمت انجام  
داده باشد بلکه هرگز ازخدمتگزاری خود داری ننماید.



خیال تودل ما را شکوفه باران کرد  
نمیرد آن که به هرلحظه یادیاران کرد  
یاد روزرم وپیکاردرخاطرم پیچید  
دل خزان زده ام را پرازبهاران کرد  
چراغ خانه ی آزادی روشن باد  
که ظلمت شب ماراستاره باران کرد.

نقض حقوق بشر، ففرونا امنی بشکل قابل توجهی با افزایش فاصله از مراکز ولایات افزایش پیدانموده و  
برخوردهای مسلحانه ونا امنی پیشرفت های اقتصادی را دراکثرنواحی افغانستان که یکی از عقب مانده  
ترین کشورهای جهان است، با مشکلات جدی و حتی با عقبگرد مواجهه ساخته است.

نیروهای مسلح بعد از سقوط داکتر نجیب به اثر خودخواهی فاتحین کابل و جنگهای تنظیمی از هم پاشید و تنظیمهای جهادی تمام تجهیزات و وسایل نظامی را به اصطلاح به کبارتبدیل کردند و در بازارهای پاکستان به پول ناچیزی بفروش رساندند چیزها که (ای اس ای) میخواست همانطور کردند. یک مقام سابق سازمان ملل متحد هشدار داده است که طالبان در درون اردو پویس ملی نفوذ کرده اند انتونیو ماریا کوستا می گوید، طالبان توانسته اند در نیروهای امنیتی افغانستان رخنه کنند او گفت که افراد طالبان با استفاده از این روش، در گذشته حملاتی را اجرا کرده اند و حملات بیشتری نیز در راه است یک سخنگوی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا گفت که رخنه طالبان در صفوف نیروهای امنیتی کمتر اتفاق افتاده است و بسیاری از سربازان قابل اعتماد هستند وزارت دفاع نیز اظهارات مقام سابق سازمان ملل متحد را تکذیب کرده است اظهارات انتونیو ماریا کوستا در حالی مطرح می شود که نیروهای بین المللی در نظر دارند مسئولیت امنیتی افغانستان را تا سال دوهزار و چهارده به نیروهای داخلی واگذار کنند تحقق این هدف، نیازمند استخدام دهها هزار سرباز جدید در صفوف نیروهای امنیتی ظرف یکی دو سال آینده است او گفت ما شواهد زیادی داریم که نشان می دهد یک تعداد از حمله کنندگان انتحاری، کسانی از درون اردوی ملی بود.

اردوی ملی و پولیس ملی با مشکلات زیادی رو به رو هستند نداشتن تجهیزات مدرن، ضعف مدیریت، حقوق کم و مشکلات اقلیمی و قومی سواستفاده از لباس، نداشتن سواد کافی نشناختن حقوق مردم، عدم آشنایی به صلاحیت ها و مسولیت ها و وظیفوی، باعث شده است که این نیروها نتوانند از کارکردهای لازم برخوردار شوند این درحالیست که چندی قبل تام کویکس نماینده ویژه سرمنشی ملل متحد در افغانستان اعلام کرد که تنها راه غلبه بر نیروهای شورشی در این کشور تجهیز و آموزش نیروهای اردوی ملی می باشد. بر اساس برخی از گزارشها فرار از اردوی ملی در مواردی افزایش داشته و حتی تا سی و سه درصد هم ثبت شده است تلاش برای جلب جوانان در جنوب کشور با مشکل روبروست، چون خانواده ها از تهدید طالبان نگرانند. در حال حاضر بیشترین جوانان از شمال از بدخشان تا جوزجان با توجه به انگیزه مادی به اردوی ملی پیوندند. شماری از واحدهای قوای مسلح در مناطق مختلف کشور در شمال مانند قندوز و میمنه و در جنوب مانند هلمند و پکتیکا یا در کنر و مناطق دیگر فعال است شماری از این نیروها در کنار نیروهای بین المللی کار می کنند و حقوقشان را آنها می پردازند در برخی محلات هم در چارچوب پولیس محلی عمل می کنند. در مورد تعداد این گونه نیروها ارقام روشنی وجود ندارد و به دلیل اختلافی که در این زمینه در دولت و پارلمان وجود دارد معمولا پنهان کاری صورت می گیرد و ارقام روشنی ارایه نمی شود بسیاری حضور این گونه نیرو را برای آینده کشور مفید نمی دانند زیرا منشأ بخشی از جنگ های بین گروهی در سالهای قبل همین جنگسالاران بودند که برای برتری نظامی و کنترل مناطق باهم درگیر شدند.

سال هاست که آمریکا و متحدین در کشور حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم، زیرا پس از سقوط طالبان، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول با گذاشته شد. حال نه تنها بر مردم ما بلکه بر اکثر مردم دنیا آشکار گشته است که با وصف حضور نیروهای صدوپنجاه هزاره خارجی و ادعاهای بلند بالایی دولت، هنوز هم کشور به عنوان یکی از مراکز فجایع حقوق بشر باقی مانده است، ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی سابقه خودکشی و خودسوزی زنان، تهدید فامیلها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوههایی که چاره ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و... مردم نه تنها خواستار خلع سلاح و حذف نیروهای جنگسالار هستند، بلکه این راه را تنها راه اعاده امنیت در کشور می دانند.

همین اکنون يك سوءتفاهم می تواند منجر به کشته شدن صد ها نفر شود وعده زیادی از مردم را در هول و ترس فروبرد، زندگی زیر سایه يك جنگ سالار هیچ گاه امنیت را برای میهن تامین نخواهد کرد. اگر قدرت جنگ سالاران و باندهای مافیایی مواد مخدر تحت حمایت آنها مهار نشود، شرایط فعلی نه تنها امنیت کشور را به مخاطره خواهد افکند که مشکلات بسیاری را برای نیروهای خارجی پیش خواهد آورد و يك بار دیگر وطن را به کام نیستی خواهد کشاند. هم اکنون دهها هزار میل سلاح نزد گروه های مسلح وجود دارد که عامل ناامنی در کشور هستند. اگر سلاح جمع آوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب اسلامی گلبدین، جمعیت وارثین برهان الدین ربانی، شورای نظاری پنجشیری، اتحاد سیاف، وحدت، خلیلی، محقق، اکبری، حرکت انوری و محسنی و ... کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر يك دهها میل سلاح در اختیار دارند. سرگروه ها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولي دپیو های خود را حفظ کرده اند. چرا این همه بیدادگری و زورگویی و ستیزه جوی در کشور به پایان نمیرسد؟ زیرا در کشور قوای مسلح نیرومند، ادارات آگاه

ویدار امنیتی و دولت دلسوزنداریم ، متاسفانه آگاهانه از جانب متحدین غربی سلاح و مهمات کافی بدسترس ما گذاشته نمیشود تا مشکلات را از راه برداریم.

سی.ان.ان به نقل از گروه بحران بین‌المللی گزارش داد که تلاش برای اصلاح پولیس ملی به دلیل فساد و فقدان اراده سیاسی با ناکامی مواجه شده و پولیس به جای کمک به برقراری نظم اجتماعی به مبارزه با طالبان پرداخته است. گروه بحرانی افزایش: اردوی آمریکا... همچنان به پولیس به مثابه ابزار امنیتی کمکی می‌نگرد به جای اینکه پولیس را در جای خود که همان برقراری قانون است به کار گیرد.

با گذشت ده سال، نیروهای آمریکا و ناتو به نام مبارزه با تروریسم همچنان در افغانستان باقی مانده و معلوم نیست که جامعه جهانی و کشورهای بزرگ جهانی و دولتهای منطقوی تا چه زمانی این استقرار را تحمل کنند. تداوم کشتار غیرنظامیان بدست نیروهای خارجی به عنوان یک معضل امنیتی خطرناک و حساسیت برانگیز، باز هم اعتراضات مقامات و مردم افغانستان را در پی داشته است. بمباران های متعدد و حملات پی در پی و گاه و بیگاه نظامیان آمریکا و ناتو در حالی جان و سلامت غیرنظامیان و افراد بیگناه را تهدید می کند که کرسی، برخی از وزرا و مقامات دولتی، نمایندگان پارلمان و سازمان های حقوق بشر داخلی و خارجی، سران و نمایندگان احزاب و جریان های سیاسی بصورت زبانی، خودسری ها و اقدامات خشونت بار نیروهای خارجی را محکوم کرده اند.

تکرار کشتار زنان و کودکان و افراد غیر نظامی توسط نظامیان خارجی یکی از مسائل و چالش ها فراروی دولت به شمار می رود و برخی از صاحب نظران معتقدند که باید مقامات دولتی در برابر حفظ جان اتباع کشور، جدیت و جانفشانی بیشتری داشته باشند و با روی دست گرفتن سازوکارهای مناسب و قوی جلو اقدامات غیر قانونی نیروهای خارجی و کشتار غیرنظامیان بدست آنان را بگیرند.

بعد از لشکرکشی ایالات متحده آمریکا به افغانستان که بیشتر از ده سال سپری میشود و میلیاردها دلار صرف و میل فرماندهان نظامی پنتاگون و ناتو و مسوولین نظامی و دولتی افغانستان گردیده و تا اکنون کشور از نیروی مسلح کارآمد و دلسوز برخوردار نیست. رهبری ارگانهای نظامی مصروف چوروچپاول دارایی عامه بوده اند ، کوچکترین توجهی به نیرومندی و خودکفایی قوای مسلح نکردند.

کسی نیست که از ریس جمهور کرسی بپرسد- که طی این سالها چه دست آوردی در وزارت دفاع ملی دارید؟ و طی این مدت نتوانسته اید قوای مسلح را اكمال و تجهیز نماید ، در صورتیکه هزاران جنرال ، دگروال ، دگرمن ، جگرن ، بریدمن و بریدگی های تعلیم یافته و باتجربه جبراً از جانب وزارت دفاع به تقاعد سوق گردیده اند و هر روز دست به مظاهره و تجمع میزنند تا حقوق داد خواهانه شان بگوش مقامات ارگ و مسوولین وزارت دفاع برسد که نمیرسد.

با گذشت هر روز ساحه حاکمیت دولت محدود و حلقه محاصره شهرها تنگ تر و مخالفین از مدافعه به تعرض روی می آورند اگر در هر کشوری دیگری باشد ، چنین حوادثی به مفهوم ناتوانی نظامی و ناکارایی مسوولین بلند پایه ارگانهای قوای مسلح تعبیر شده و ریس جمهور و پارلمان دست به کار شده و مقامات نظامی را مورد تنبیه و سرزنش قرار داده و به محاکم و دادگاه میکشاند. اما با اندوه و درد در وطن ما ، ریس جمهور و پارلمان نه تنها مقامات ارگانهای قوای مسلح را مجازات نمی نمایند ، بلکه مکافات و مورد لطف و شفقت و نوازش نیز قرار میدهند.

امروز پرسونل قوای مسلح بجز از چند عراده موتر فرود آمریکایی چه دارند تا به درجه خودکفایی امنیتی برسند؟ قوای مسلح متاسفانه طی این سالها نتوانست از سخاوت های پنتاگون مستفید شده و مالک تانک ، توپ ، راکت ، سلاح و وسایط نقلیه و خفیفه شوند. وزارت داخله و ریاست عمومی امنیت ملی نیز وضعیت به مراتب غم انگیز تر نسبت به وزارت دفاع دارند. در گوشه و کنار وطن روزانه ده ها نیروی قوای مسلح کشته و زخمی میشوند و اما کسی نیست که مسوولین را مورد باز پرس و سرزنش قرار بدهد .

طی این مدت فرار از خدمت عسکری ، و کم تجربگی نیروها در مدیریت جنگهای فرسایشی، بی اعتمادی و خود سری نظامیان آمریکا و ناتو و عدم مشارکت نیروهای محلی در عملیاتها، گسترش حوزه فعالیت طالبان و پیشرفت در تاکتیکهای نظامی آنها، استراتژی جنگ چریکی و خستگی روانی نیروها ، همگی مانع از عملکرد موثر اردوی ملی در به دست گیری و کنترل اوضاع شده است. بی کفایتی اردو ، پولیس و نیروهای امنیت ملی در اوضاع نابسامان کنونی ، گسترش روزافزون فساد و نبود استراتژی نظامی از اعتبار و پرستیژ این نیروها کاسته میشود .

کوشش در جهت ایجاد اردوی ملی و همزمان با آن احیای ملیشه بازی و در پهلوی آنها توسل به مصلحت گرایی همانتنجی را در بر دارد که تا حال داشته است و تازماتی که مصلحت و روز مره گی اساسکار و سیاست باشد ، که هست، هیچ نشانه ای از بهبود را نخواهیم دید. دولت خود را به مصالح گروه های گوناگون متعهد می داند و بر همین اساس رو زانه بر نامه می سازد. با قدرتمندان درون دولت ، با قوماندانان محلی ، نیروهای محافظه کار ، با جامعه جهانی... و برآیند آن نیز همین است که هست . در این میان آنکه هرگز مورد توجه قرار نمیگیرد و نقشی را که می تواند بر عهده بگیرند نادیده گرفته میشود اکثریت مردم افغانستان است که از فقر و مرض و بی سر پناهی و بیکاری رنج می برند. دو میلیون بیکار ، پنج

میلیون گرسنه و مریض و ... موفقیت آمریکا در افغانستان با اعمال سیاست های نابخردانه در افغانستان، مانند تفتیش خانه ها و بازرسی بدنی زنان و مردان، توهین به فرهنگ و آداب آن ها و ... موجب باز قدرت گرفتن دوباره طالبان گردید که در نهایت آمریکا را مجبور کرده است باب مذاکره را باز کند.

با افزایش شمار سربازان کشته شده آمریکایی در جنگ با طالبان و آشکار شدن ناتوانی دولت کرزی برای کنترل کشور، حمایت های عمومی به تدریج از این جنگ کاهش یافت.

برگزاری انتخابات پارلمانی از دیگر اتفاقات مهم در افغانستان بود. میزان مشارکت، بسیار پایین بود و طبق آمار رسمی تنها حدود یک سوم از واجدین رای دادن، بر سر صندوق ها حضور یافتند. همچون انتخابات گذشته مواردی همچون مخدوش کردن آرا و ارباب رای دهندگان از سوی مخالفین به وفور به چشم می خورد. در نهایت حدود ۲۰ درصد یعنی ۱/۳ میلیون رای انتخاباتی مردود اعلام شد. تا پایان سال ۲۰۱۰، با رهبری متزلزل کرزی و مقاومت طالبان، دولت او باما تصمیم گرفت برخلاف وعده پیشین خود، سال ۲۰۱۴ را زمان پایان حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان اعلام کند. هر چند این مهم بیشتر تحت تاثیر فشار افکار عمومی مطرح می گردد. گویا مشکلاتی که آمریکا در افغانستان دارد که بخش اعظم آن را خود بوجود می آورد در راستای این مهم می باشد که حضور آمریکا را در افغانستان توجیه کند.

جنگ افغانستان، طولانی ترین جنگ خارجی در تاریخ آمریکا، حدود یک تریلیون دالر برای مالیات دهندگان آمریکایی هزینه داشته و پس از پایان رسمی آن در ماه جاری نیاز به صدها میلیارد دالر سرمایه دیگر دارد. روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی درباره هزینه های جنگ افغانستان برای آمریکایی ها با استناد به تحقیقات مستقل آورده است: «حدود ۸۰ درصد هزینه های جنگ افغانستان در دوره ریاست جمهوری باراک او باما تامین شده است.

او باما از زمان آغاز ریاست جمهوری اش در سال ۲۰۰۹ حضور نظامی در افغانستان را شدیداً افزایش داد. هزینه های گسترده برای این جنگ ۱۳ ساله که دولت هرگز جزئیات آن را منتشر نکرد موجب گسترش تردیدها درباره جنگ در آمریکا شده است. نظرسنجی ها نشان می دهند که اکثر آمریکایی ها معتقدند که جنگ افغانستان ایده بدی بوده است. در حالی که جنگ عراق تاکنون حدود یک تریلیون دالر برای آمریکایی ها هزینه داشته، هزینه های جنگ افغانستان عامل مهمی در بیزاری گسترده مردم آمریکا و دولت او باما جهت دخالت نظامی در سایر نقاط دنیا از جمله اعزام دوباره نیرو به عراق بوده است.

جان ساپکو، بازرس ویژه دولت آمریکا برای افغانستان کسی که سازمان تحت سرپرستی اش پروژه های بازسازی افغانستان به ارزش بیش از ۱۰۰ میلیارد دالر نظارت دارد، می گوید: «میلیاردها دالر از سرمایه های این پروژه ها به هدر رفته و یا دزدیده شده است. آن هم طی پروژه هایی که معمولاً تاثیر بسیار کمی بر شرایط افغانستان دارند.

او در این باره اظهار می کند: مطمئناً ما دوباره نمی توانیم چنین پولی را از دست بدهیم. مردم آمریکا با این موضوع کنار نمی آیند. ساپکو با اشاره به تورم می افزاید، مبلغی که آمریکا صرف بازسازی افغانستان کرده بیش از هزینه های است که طی طرح مارشال برای بازسازی غرب اروپا صرف شد. من در سازمان کمک رسانی، آمریکا دولت و پنتاگون به افرادی برخورد می کنم که گمان می کنند در کانزاس هستند نه افغانستان. بازرسان من اطلاعاتی درباره برنامه های هزینه ها ارائه می دهند که من فقط می توانم بگویم شما اینها را از خود ساخته اید.

عملیات نظامی ناتو در افغانستان که مدت کوتاهی پس از حمله ۱۱ سپتمبر در سال ۲۰۰۱ آغاز شد متأسفانه در حالی تا پایان دسامبر پایان می یابد که شورشیان طالبان با وجود اینکه کنترل هیچ شهر بزرگی را در دست ندارند ولی همچنان قدرتمند هستند. طبق برنامه فعلی حدود ۱۰ هزار نیروی آمریکایی تا پایان سال ۲۰۱۶ در افغانستان باقی می ماندند با این وجود دولت آمریکا باز هم برای افزایش نیروها در این کشور به دلیل نگرانی ها درباره تجدید فعالیت طالبان با خروج آمریکایی ها تحت فشار رو به افزایشی است. از سال ۲۰۰۱، دولت آمریکا حدود ۷۶۵ میلیارد دالر برای جنگ در افغانستان اختصاص داده است. بیشتر این هزینه ها مربوط به مخارج وزارت دفاع و بخش دیگری نیز مربوط به وزارت خارجه بوده است. نکته جالب اما این است که هزینه مالی هر دو جنگ عراق و افغانستان قرض گرفته شده بود و بر اساس مدارک دانشگاه سیتی در نیویارک آمریکا تاکنون ۲۶۰ میلیارد دالر از بدهی های این جنگ ها را پرداخت کرده است. در راس این هزینه ها، تامین منابع مالی برای درمان و دواهای سربازان زخمی و آسیب دیده ای است که اردو را ترک کرده اند. لیندا بیلمز، اقتصاددانی که تحقیقات گسترده ای در زمینه هزینه های جنگ انجام داده، برآورد کرده است که هزینه های صحت و درمانی سربازان هردو جنگ عراق و افغانستان تاکنون به ۱۳۴ میلیارد دالر رسیده است.

با این حال بیلمز معتقد است دسترسی به هزینه های درمانی تنها برای سربازان جنگ افغانستان غیرممکن است چرا که یک سوم این سربازان در هردو جنگ عراق و افغانستان شرکت داشتند. جنگ افغانستان باعث افزایش هزینه های عمومی دیگری نیز شده است مانند بودجه جداگانه جنگ که از سال ۲۰۰۱ به بعد مطرح شده، بودجه اولیه پنتاگون که تمام هزینه های این نهاد را پوشش می دهد و جنگ در عراق و افغانستان یکی از مهمترین عوامل افزایش این هزینه ها بوده است. همچنین بر اثر فشارهای سیاسی ناشی از جنگ حق بیمه سلامت اردو

که توسط پرسنل این نهاد پرداخت می‌شود تا حد ممکن ارزان نگه داشته شده است. همزمان حقوق‌ها به دلیل افزایش تورم افزایش یافته است. به علاوه از سال ۲۰۰۱، بودجه اولیه وزارت دفاع به ۱,۳ تریلیون دالر افزایش یافته است. هزینه‌های آتی جنگ افغانستان احتمالاً به بیش از صدها میلیارد دالر دیگر می‌رسد. پنتاگون پیش بینی کرده است که این نهاد برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ نیاز به بودجه‌ای بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دالر دارد.

با این حال هزینه‌های دیگری بستگی به عملیات‌های آتی‌ای دارد که کاخ سفید درباره آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کند. در همین حال پرداخت بدهی‌های ناشی از هزینه‌های جنگ، هزینه‌های درمانی نیز به شدت در حال بالا رفتن هستند چرا که برخی از سربازان این جنگ‌ها اکنون وارد دهه ۶۰ زندگی خود شده و نیازشان به سرویس‌های درمانی نیز افزایش یافته است. طبق برآوردهای پروفیسور بیلمز، هزینه‌های ناتوانی و درمانی سربازان جنگ‌های عراق و افغانستان طی دهه‌های آتی به ۸۳۶ میلیارد دالر خواهد رسید. این دو جنگ همچنین هزینه‌های بازنشستگی را برای پنتاگون افزایش داده‌اند. اردو متعهد شده تا ۱,۲۷ میلیارد دالر به سیستم بازنشستگی خود اختصاص دهد. انتظار می‌رود این هزینه تا سال ۲۰۳۴ به ۲,۷۲ تریلیون دالر برسد. با این حال منابع این هزینه‌ها هنوز نامین نشده است.

به گفته یکی از مقامات دولتی حقیقت تلخ درباره جنگ افغانستان این است که پنتاگون یا هرکس دیگری در دولت نمی‌تواند بگوید این جنگ چه قدر برای ما هزینه داشته است.

گزارشی جدید که از سوی جان ساپکو، تفتیش ویژه برای بازسازی افغانستان منتشر شد، نشان می‌دهد که شمار نیروهای اردوی ملی از ماه فبروری سال دوهزارچهارد بیش از پانزده هزار و پنجاه تن کاهش یافته و به نزدیک به صد و هفتاد هزار نفر رسیده است. این کاهش هشت و نیم درصدی در نیروها، کمترین میزان در استحکام نیروها از اگست سال دوهزارویازده تاکنون بوده است. اردوی ایالات متحده شمار نیروهای امنیتی کشور را با در نظر داشت برخی حاشیه‌های مهم، بیش از حد برآورد کرده است. اما پرسش این است که آیا نیروهای افغان در حال کم شدن هستند؟ به نظر می‌رسد که عوامل مختلفی در این مسئله دخیل هستند. یکی از دلایل کاهش مدام نیروهای امنیتی تلفات جدی در جنگ می‌باشد. بر اساس اطلاعات منتشر شده، بیش از هزار و سه صد سرباز اردوی ملی بین ماه‌های اکتوبر دوهزار و سیزده تا سپتامبر دوهزارچهارده (یک سال) کشته و حدود شش هزار و دویست نفر دیگر زخمی شدند. برآورد می‌شود که تلفات نیروهای پولیس نیز در همین حدود یا حتی اندکی بیشتر باشد.

تحلیلگران می‌گویند که یکی از عوامل مهم این تغییر با خروج نیروهای جنگی خارجی مرتبط است. با پایان یافتن ماموریت نیروی بین‌المللی یاری امنیتی (ایساف) در دسامبر سال گذشته، اردو و پولیس ملی به تنهایی مسئول تامین امنیت کشور و مقابله با شورشگری و بحران شدند. در برابر خروج نیروها، ماموریت حمایت قاطع که متشکل از آموزش و مشوره دهی به نیروهای افغان می‌باشد، در آغاز سال دوهزار پانزده شروع شد. سیزده هزار نیروی خارجی باقی مانده در جنگ علیه شورشگری شرکت نمی‌کنند بلکه به مشورت، آموزش و گاه حمایت محدود از عملیات ضد تروریسم می‌پردازند. مایکل کوگلمن، کارشناس مسائل افغانستان در مرکز وودرو ویلسون در واشنگتن گفت: طالبان این موضوع را می‌دانند و به این خاطر با افزایش سطح جنگ، این نیروها را می‌آزمایند. شمار نیروهای امنیتی بعد از فبروری دوهزارچهارده کم شده است. آنچه که وضعیت را بدتر می‌کند این است که نیروهای افغان با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در سال‌های اخیر، همچنان از محدودیت ظرفیت‌های کلیدی رنج می‌برند؛ به ویژه در بخش نیروی هوایی. به این معنا که واحدهای زمینی زیر آتش قرار می‌گیرند، آنها الزاماً نمی‌توانند به پوشش هوایی اتکا کنند. این باعث افزایش سطح تلفات و شکست روحیه می‌شود.

در همین حال، وزارت دفاع در بیانیه‌ای تایید کرده است که نیروهای امنیتی از آغاز سال روان میلادی (دو ماه) در جنگ گسترده در جنوب تلفات زیادی را متحمل شده‌اند. اما به نظر می‌رسد که دلیل دیگری نیز در کاهش ناگهانی نیروهای امنیتی نقش دارد. این کشور به سختی می‌تواند نیروهای امنیتی خود را نگه دارد. ترک خدمت همچنان چالش بزرگی برای نیروهای امنیتی افغانستان است. بین ماه‌های سپتامبر دوهزار و سیزده تا سپتامبر دوهزارچهارده، بیش از چهل هزار نیرو از اردوی ملی بیرون شدند. وزارت دفاع در بیانیه‌ای گفته است که برخی سربازان وقت رخصتی طولانی‌تر از آنچه انتظار می‌رود در خانه‌های خود می‌مانند. خدمت‌گرایان سربازان مشکلات مداوم اردوی ملی از هنگام تاسیس بوده است. جیسون کمپبل، کارشناس امنیت بین‌الملل در سازمان تحقیقاتی رند در آمریکا توضیح می‌دهد که به عنوان مثال، اگر سربازان در منطقه خطرناک کشور مستقر باشند یا از ولایت اصلی خود دور باشند، احتمال گریز آنان بیشتر می‌شود. شواهد نیز وجود دارد که نشان می‌دهند سربازان در زمان‌های مختلف به طور موقتی می‌گریزند. کمپبل می‌گوید که یک دلیل شایع این است که زمان رخصتی سربازان، مدت سفر به خانه و قریه‌شان را شامل نمی‌شود. این سربازان که مجبورند گاهی مسیر خانه را با بس و لاری طی کنند، غالباً به سادگی پیش از آن که وقت رخصتی‌شان شروع شود، وظیفه را ترک می‌کنند. علاوه بر این، در برخی موارد سربازان واحد نظامی خود را ترک می‌کنند تا در فصل کشت کوکنار در خانه باشند. کشت کوکنار برای آنان سودآورتر از سربازی است. یا گاهی سربازان بدون آن که از طریق قانونی

عمل کنند به دیدار خانواده های خود می روند. کاهش اخیر نیروها در اردوی ملی به فضای عمومی بی ثباتی در کشور پس از پایان ماموریت ناتو بستگی دارد. با فرارسیدن فصل جنگ در سال روان، و کاهش حتما حمایت های اولیه نیروهای انتلاف، شرکت مستقلانه در جنگ علیه مخالفین برای بسیاری ها چشم انداز ناخوشایندی است.

برعلاوه روحیه کم سربازان، این شک و تردید زیاد شده است که نیروهای بین المللی باقی مانده در افغانستان تا چه حدی می توانند نیازهای مادی و پولی را برای نیروهای داخلی آماده کنند. طالبان می دانند که نیروهای امنیتی در وضعیت مواجهه باخطر قرار دارند و با وارد کردن ضربات سنگین امتیازاتی به دست می آورند. این یکی از دلایلی است که طالبان به طور غیرعادی سطح حملات خود را در فصل سرما افزایش داده اند، درحالی که آنان به طور معمول در این ماه ها کم تحرک هستند. دلیل نگران کننده دیگر این است که طالبان از روحیه پایین سربازان بهره می برند و در نیروهای امنیتی رخنه می کنند. این یک مشکل از قدیم بوده است، و احتمالا مشکل بزرگی در ماه های پیش رو خواهد بود. بهترین اقدام در حال حاضر این است که اردو اطمینان حاصل کند که معاش سربازانش پرداخت می شود تا به این ترتیب سربازان بتوانند در فصل جنگ پیش رو با طالبان مقابله نمایند و از کاهش فاجعه بار نیروها جلوگیری شود. تناقضاتی در اطلاعات تهیه شده توسط "ماموریت حمایت قاطع" در مورد قوت، کاهش نیروها، تجهیزات و پرسونل نیروهای امنیتی وجود دارد.